

لین دفتر کوچک شعر به مناسبت اولین سالگرد دستگیری و پرونده سازی علیه شاهرخ زمانی  
و دوستاش تقدیم کارگران مبارز می گردد.

دفتر شعر:

کارگر

در زندان

است،

هنوز...



بدون مبارزه مداوم، فداکارانه، آگاه  
بدون تبلیغ، ترویج و سازماندهی مشخص  
هرگز نمی توان به آزادی و مطالبات خود رسید

تقدیم به شاهرخ زمانی به مناسبت ۱۷  
خرداد سال روز دستگیری و پرونده سازی  
علیه او و دوستانش.  
تقدیم به شاهرخ زمانی به خاطر مقاومت و  
مبارزه مستمری که در هر شرایطی به  
عنوان کارگر آگاه و مبارز انجام وظیفه می  
کند، حتی اکنون که در چنگال خادمان  
سرمایه داری اسیر است.

لین دختر کوچک شعر به مناسبت اولین سالگرد دستگیری و پرونده سازی  
علیه شاهرخ زمانی و دوستانش تقدیم کارگران مبارز می گردد.

فهرست

|   |                                  |    |
|---|----------------------------------|----|
| ۱ | حالا او (شاهرخ) کجاست؟           | ۲  |
| ۲ | گرگها زو زه می کشند قطعه ۱       | ۴  |
| ۳ | گرگها زو زه می کشند قطعه ۲       | ۶  |
| ۴ | گرگها زو زه می کشند قطعه ۳       | ۱۰ |
| ۵ | زمانی                            | ۱۳ |
| ۶ | شاهرخ سوولر آراز آراز ، های آراز | ۱۴ |

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

## حالا او (شاهرخ) کجاست؟

چشمانی مهربان  
نگاهی که همیشه وادار می کند ، که بیاندیشی  
زبانی ، شاید کمی تلخ  
اما به تو این اطمینان را می داد  
اگر در تمام اطرافت یک نفر باشد  
که از گفتن حقیقت به تو ابایی ندارد  
اوست .

و حالا او کجاست ؟  
روزی در زادگاهش اسیر بود.  
اما او شاعری را می ماند  
که از بی آرش ترین الفاظ  
چندان گناه واژه تراشید  
که بازجویان به تنگ آمده  
و شیوه دگر پیشه کردند

حالا او دور از زادگاهش  
در میان کسانی که  
با حرف هایش دو چندان غریبه اند  
اسیر است  
اما من می دانم  
ما می دانیم  
که او شاعریست  
که حتی هنگامی که  
سخن گفتن  
نفس جنایت است  
سرود آزادی از چشمانش می جوشد

بازجویان را بگویند  
 پرنده را از پرواز جدا نمی توان کرد  
 رود را از حرکت باز نمی توان داشت  
 قفس همیشگی نیست  
 سد همیشگی نیست  
 پرنده از قفس خواهد پرید  
 و رود سد را در هم خواهد شکست

بازجویان را بگویند  
 ...

را.

۱۳۹۱/۳/۱۷

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد بید کرد

## قطعه ۱

### گرگها زو زه می کشند!!!

آسمان صاف  
دشت و دریاچه بی آب  
هر سه گسترده تا بی کران  
ستاره ای ، می درخشد در کویر یزد ،  
گرگها سوی آسمان ،  
زو زه می کشند.

شب ،  
ظلمتی گسترده بر زمین،  
مهتاب،  
پشت ابر سیاه،  
آزادی،  
گروگان سرمایه،  
اسیر اسلام، اسیر ولایت ،  
دستها،  
نامید از آسمان بی بار،  
گرگهای خونخوار،  
سر سوی آسمان عقیم،  
زو زه می کشند.

گرگها در خفا ، زو زه می کشند .

چنگ بر چهره ی ستاره می کشند.  
یا که ،  
پرده بر آسمان، پرستاره می کشند .  
ستاره سرخ را ، به خیال خود ،  
در غل و زنجیر می کشند.  
دست و پا و چشم بسته ،  
از تبریز ، تا به یزد می کشند.

آسمان صاف  
دشت و دریاچه بی آب  
هر سه گسترده تا بی کران  
ستاره ای ، می درخشد در کویر یزد ،  
زین سبب،  
گرگها ، زو زه می کشند.

محمد اشرفی  
۱۳۹۱/۳/۱۷

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید کرد

## گرگها زو زه می کشند!!!

آسمان صاف  
دشت و دریاچه بی آب  
هر سه  
گسترده تا بی کران  
ستاره ای ،  
می درخشد در کویر یزد،  
هنوز ...  
\*\*\*

کودک کار ،  
خسته ،  
تکیده ،  
پریده ، پیش از آفتاب ،  
از خواب،  
راه می رود ،  
در خواب،  
نه پی درس ،  
نه پی بازی ،  
بلکه ،  
بدنبال لقمه نانی،  
هنوز ...

\*\*\*

کودک خیابان  
بی نان  
چشم پر اشک  
خیابان به خیابان  
چار راه به چار راه  
پرسه می زند

بی هدف  
بهنام در زندان است ،  
هنوز...

\*\*\*

آسمان کهنه و فرتوت  
لاشه، مرده ایست،  
زیر آوار بیهودگی خویش،  
لاشه متعفن آسمان ،  
سنگینی می کند ،  
بر شانه های ما،  
هنوز ...

\*\*\*

کارگر مشت گره کرده،  
پر از خشم ،  
پر از داد،  
پر از فریاد،  
افسوس  
تک به تک  
تنها به تنها  
زندان،  
کارخانه،  
شهر ،  
پر از تنهاییان است ،  
هنوز ...

\*\*\*

شاهرخ،  
محمد،  
بهنام،  
علی،  
رضا ،  
...  
کارگر در زندان است ،



هنوز ...

\*\*\*

جوانها ، پر شور،  
 پر زور،  
 مملو از هیجان ،  
 مملو از انگیزه،  
 افسوس  
 تک به تک  
 تنها به تنها  
 مدرسه، دانشگاه  
 کوچه و خیابان  
 شهر  
 پر از تنهاییان است  
 هنوز ...  
 دانشجو ،  
 معلم ، وکیل  
 در زندان است  
 هنوز ...

\*\*\*

شاهرخ فریاد می زند :  
 پیروزی از ان ماست ،  
 اگر :  
 بازو در بازو  
 شانه به شانه  
 قدم به قدم  
 با سری پر ز اندیشه  
 قلبی پر از امید  
 تنی واحد  
 بکوبیم

\*\*\*

آسمان عقیم برکت  
 زنجیر اسارت

کاخ اوهام و خرافات  
 فرو خواهد ریخت ،  
 ... زمین  
 انسان و زمین  
 زمین با هر آنچه در اوست  
 ... آزاد و  
 رها ...

\*\*\*

آسمان صاف  
 دشت و دریاچه بی آب  
 هر سه گسترده تا بی کران  
 ستاره ای، می درخشد در کویر یزد،  
 هنوز ...  
 زین سبب سر به سوی آسمان عقیم،  
 گرگها زو زه می کشند .  
 هنوز ...

محمد اشرفی  
 ۱۳۹۱/۳/۱۷

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید کرد

قطعه ۲

**گرگها زو زه می کشند!!!**

آسمان خالی  
 آسمان عقیم  
 فقط آسمان !!!  
 آسمان صاف  
 دشت و دریاچه، بی آب  
 هر سه گسترده تا بی کران  
 ستاره ای می درخشد، در کویر یزد  
 گرگها زو زه می کشند،  
 سوی آسمان عقیم

\*\*\*

ستاره می درخشد  
 خشم  
 مشت های گره کرده  
 را  
 بر تن آسمان ،  
 آوار شده بر انسان،

حک می کند.

\*\*\*

ستاره می درخشد ،  
تن  
آسمان بی برکت  
وجود دروغین  
مفلوک از زایش  
خسته از بودن خویش  
آوار بر انسان  
را  
نقره داغ می کند.

\*\*\*

در دیگر دیاران نیز  
هنوز گرگها  
در تاریکی  
در خفا  
هنوز رو به آسمان،  
زو زه می کشند.

\*\*\*

اما،  
در خاک نفرین زده

زیر آسمان آوار شده  
 گرگها در هر کوی و برزنی ،  
 با افتخار،  
 وهم در خفا ، زو زه می کشند.  
 چنگ بر چهره ی ، ستاره می کشند .  
 یا که  
 پرده بر آسمان پر ستاره می کشند.  
 ستاره سرخ را،  
 به خیال خود ، در غل و زنجیر می کشند.  
 چشم بسته ،  
 از تبریز تا به یزد می کشند.

\*\*\*

آسمان خالی  
 آسمان عقیم  
 فقط آسمان !!!  
 آسمان صاف  
 دشت و دریاچه، بی آب  
 هر سه گسترده تا بی کران  
 ستاره ای می درخشد، در کویر یزد،  
 زین سبب،  
 گرگها زو زه می کشند.

محمد اشرفی  
 ۱۳۹۱/۳/۱۷

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید کرد

## زمانی

زحمتکشان جویند چو آب و نانی  
 کی شد روا زندان رود زمانی  
 شاید که از این درد و رنج ندانی  
 شاید که با سکوت خود بهمانی  
 بر جای خود شاید ز ناتوانی  
 دلبسته ای بر نور آسمانی  
 در گوشه ای شاید کنون نهانی  
 دلخوش که ازستم تو در امانی  
 از چنگ این ظالم دلان جانی  
 کی در امان هستی چو خوش گمانی  
 آزادگان برپا ز جان فانی  
 در راه حق همواره جانفشانی  
 برماست تا این دم خوریم تکانی  
 یاد آوریم ، در بند هست زمانی  
 آزادگان برپا ز جان فانی در راه حق همواره جانفشانی

ا.ه.ل.ایرانی (اهلی) تیرماه ۱۳۹۰

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزادبید کرد

## شاهرخ سوولر آراز آراز ، های آراز

ایشچی دشمنی ، موللار  
شاهلار، بئی لر ، موللار  
آزادلیق اولماز  
هر زمان، وار موللار

ایشچی لر دسته دسته  
قزیل بایراق سر دسته  
هجوم ائیلر شاهلارا بئی لر  
هم دئه موللار اوسته

هارائیلار ، آی، هارائیلار  
هم اولدوزلار ، هم آیلار  
هم شاهرخ ، هم رضا  
یولداشلاری هارائیلار

آرازی آئیر دیلار  
قو مونان دویور دیلار  
من شاهرخ دان آیریلمازیدیم  
بیزی زورونان آئیر دیلار

هارائیلار آی هارائیلار  
زنداند، آراز آراز، هارائیلار  
زندانا دوشن ایشچی لر  
بیزی، یولداشلاری هارائیلار

زنداندا های زنداندا  
 ایشچی قالب زنداندا  
 هم بهنام ، علی ، هم محمد  
 شاهرخ، هارائیلار زنداندا

آراز آراز خان آراز  
 آخار سولار خان آراز  
 سوسووزدی، اووروم گولی  
 هارائیلار ، های خان آراز

آراز آراز خان آراز  
 آخارسولار خان آراز  
 سنی گووریم یاناسان  
 سوسووز گولی، قان آراز

ایشچی لر دسته دسته  
 قزل بایراق سر دسته  
 هجوم ایلر، شاهلارا ، بئی لر  
 هم دئه، موللار اوسته

ایشچی دشمنی ، موللار  
 شاهلار، بئی لر ، موللار  
 آزادلیق اولماز،  
 هر زمان وار موللار

هارائیلار آی هارائیلار  
 هم اولدوزلار هم آیلار  
 هم شاهرخ ، هم رضا  
 یولداشلاری، هارائیلار



شاهرخ سوولر آراز های آراز  
یولداشلاردان اوزاق توشتم آراز  
ایشچی لر ، انسانلار قالخیب، باغیریر  
گوروم سندئه بیر جوشا، گئل آراز

آراز چای ، درین آراز  
آخار سوئی، سرئین آراز  
ایشچی لر ال اله ، وئرلر  
سندئه بیزئه آرخا بئل ، اوول آراز

ایشچی لر دسته دسته  
قزل بایراق سر دسته  
هجوم ائیلر، شاهلارا ، بئی لر  
هم دئه ، موللار اوسته

بر داشت جدید از آراز آراز  
م . اخگر  
۱۳۹۱/۳/۱۷

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید کرد

# کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

شاهرخ زمانی کارگر نقاش و عضو هیئت باز گشایی سندیکای نقاشان و تزیینات ساختمانی و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری را بدون هیچ دلیل و مدرکی دستگیر کرده، بر علیه او پرونده سازی کردند. علی رغم اینکه در پرونده ساخته شده نیز هیچ

مدرک و دلیلی برای محاکمه او وجود ندارد. طبق اعترافات قاضی پرونده حملبر که در دادنامه به صورت واضح نوشته است که شاهرخ زمانی تمامی اتهامات را رد کرده است. پس او کاملاً

بیگناه است. اما کاملاً "غیر قانونی، شاهرخ را بنا به اعترافات شخص دیگری (متهم ردیف چهارم) محاکمه کرده و با اتهامات دروغین به ۱۱ سال زندان محکوم نمودند. در زندان تبریز با

ایجاد جو و فضای نامناسب و خطر ناکی برای او و دیگر زندانیان سیاسی و کارگری زندان را به جهنم واقعی تبدیل کرده اند. و اکنون او را به زندان یزد تبعید کردند. ما بدون هیچ قید و شرطی خواهان آزادی فوری شاهرخ زمانی و دیگر زندانیان کارگری و سیاسی هستیم. در این راستا از تمامی کارگران، تشکلهای، نهادهای و آزادیخواهان و جوانان می خواهیم از هر طریق ممکن بر جمهوری اسلامی جهت آزادی زندانیان فشار بیاورند.

تنظیم از : کمیته حمایت از شاهرخ زمانی